



حقوق اقلیت‌ها

مطالعه موردی ادیان و مذاهب

دکتر محسن مدیرشانه‌چی - دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

چکیده

در این تحقیق، پس از تعریف مفاهیمی چون اقلیت‌ها و قانون اساسی و بررسی زمینه‌ها و رویکردهای تدوین قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران، جایگاه اقلیت‌های دینی و مذهبی در این قوانین، مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد. در این پژوهش، در مقابل اکثریت شیعه‌ی اثنی‌عشری، جایگاه و موقعیت و حقوق اقلیت‌های مذهبی و دینی دیگر، اعم از شیعه یا غیرشیعه و مسلمان یا غیرمسلمان در هر دو قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی (شامل هر دو متن مصوب ۱۳۵۸ و بازنگری شده در سال ۱۳۶۸) مقایسه، بررسی و تحلیل می‌شود. نهایتاً، ضمن طرح برخی نواقص، نارسایی‌ها، ابهامات، تناقضات، نابرابریها و تبعیض‌ها در خصوص حقوق اقلیت‌ها، راهکار رفع این اشکالات عنوان خواهد شد.

مقدمه

ایران، سرزمین همه ایرانیان با تنوع و گستره‌ی از ادیان، مذاهب، زبانها و قومیت‌های گوناگون است. برای اداره‌ی کشور، در نظام دموکراتیکی که از انقلاب مشروطه تاکنون رسمیت داشته است، حکومت متکی به قانون تشکیل شد. با سرلوحه قرار گرفتن میثاقی ملی به نام قانون اساسی، اداره‌ی امور در مسیر قانونی قرار گرفت و به منظور پرهیز از تمرکز و تکاثر قدرت و ممانعت از شکل‌گیری خودکامگی و استبداد، تقسیم قدرت‌ها و مسؤولیت‌ها در قالب تفکیک قوا تحقق یافت.

در اداره‌ی کشور، جلوگیری از تمرکز و انباشت قدرت در دست یک گروه دینی، مذهبی، قومی و زبانی - خواه اکثریت یا اقلیت - رویکرد دیگری در مسیر پرهیز از خودکامگی و استبداد است. شاید از این روست که در قانون اساسی همه کشورها از جمله ایران پیش و پس از انقلاب، به موقعیت و حقوق همه اقشار ملت، اعم از قومیت‌های گوناگون، متکلمان به زبان‌های مختلف و پیروان ادیان و مذاهب موجود در آن کشور و نقش و جایگاه هر یک از مؤلفه‌های قومی، دینی، زبانی و فرهنگی جامعه اشاره می‌شود و بندها یا فصولی به این مؤلفه‌ها اختصاص می‌یابد. بدیهی‌ست، نوع نگاه به این تنوع، پذیرفتن یا نپذیرفتن آن و تسهیل یا بازداشتن حضور و مشارکت اقشار و گروه‌های مختلف قومی، زبانی، دینی و

مذهبی در یک جامعه، نقشی تعیین‌کننده در فرایند تعامل اجتماعی خواهد داشت و می‌تواند به همگرایی یا واگرایی در جامعه، تقویت یا تضعیف پایه‌های دموکراسی و گسترش یا کاهش مشارکت سازنده در کشور بینجامد.

بر این مبنا، ضمن بررسی مقایسه‌ی قانون اساسی مشروطه با قانون یا قوانین اساسی جمهوری اسلامی و نیز بررسی درون مقایسه‌ی دو قانون اساسی ۱۳۵۸ و ۱۳۶۸ جمهوری اسلامی، نقاط قوت و ضعف هر یک در راستای مقوله‌ی که تبیین شد، بررسی و تحلیل می‌شود.

تعریف مفاهیم

الف - قانون اساسی: در باب قانون اساسی، تعاریف متعددی در نوشته‌های حقوقی و سیاسی بویژه کتب مربوط به حقوق اساسی ذکر شده است. در این جا به دو تعریف در این باب بسنده می‌کنیم. «قانون اساسی به معنای عام کلمه، به کلیه قواعد و مقرراتی گفته می‌شود مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن. لذا موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت، نهادهای سیاسی کشور و طرز تنظیم آن‌ها و همچنین نحوه سرشکن شدن قدرت در میان فرمانروایان و فرمانبران از جمله، قواعد و مقررات قانون اساسی به شمار می‌آید. قانون اساسی از یک سو حدود آزادی فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می‌نماید»^۱.

در تعریف دیگری از قانون اساسی چنین آمده است: «قواعدی که حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت و حقوق و آزادی‌های فردی‌ست، از نظر ماهوی، قانون اساسی نام دارد و برتر از سایر قواعد حقوق است»^۲.

ب - اقلیت‌ها: در خصوص اقلیت‌ها نیز تعاریفی در برخی متون حقوقی، سیاسی و جامعه‌شناختی آمده است که به عنوان نمونه، به ذکر دو تعریف از این میان می‌پردازیم. «اقلیت عبارت است از: گروهی که در حاکمیت شرکت نداشته و از نظر تعداد کم‌تر از بقیه جمعیت کشور باشند و اعضای آن در عین حالی که تبعه آن کشور هستند، ویژگی‌های متفاوت قومی، مذهبی یا زبانی با سایر جمعیت آن کشور دارند و دارای نوعی حس وحدت منافع و همبستگی در



جهت حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، مذهب یا زبان خود هستند».^۲ در تعریف دیگری که براساس تعریف قبلی و در جهت تکمیل آن ذکر شده، چنین آمده است: «اقلیت، گروهی از شهروندان هستند که به لحاظ عددی بخش کم‌تر جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و در حاکمیت کشور شرکت ندارند و دارای خصوصیات قومی، مذهبی یا زبانی متفاوت از اکثریت افراد جامعه بوده و نوعی حس همبستگی در آن‌ها وجود دارد که از آزاده جمعی برای بقا نشأت می‌گیرد و هدف آن دستیابی به مساوات و برابری حقیقی و حقوقی با اکثریت مردم می‌باشد».^۳

زمینه‌های تدوین قانون اساسی مشروطه

در پی مبارزات مشروطه‌خواهان علیه استبداد و پیروزی انقلاب مشروطه، در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ فرمان گشایش مجلس مؤسسان از سوی مظفرالدین شاه صادر شد. این مجلس با شرکت بیش از ۲۰۰۰ تن در تهران تشکیل شد و به تدوین قانون انتخابات مجلس ملی پرداخت.^۴

موضوع انتخاب مجلس ملی به پیدایش انجمن‌های مختلفی انجامید که پای به صحنه مبارزات و رقابت‌های انتخاباتی گذارند. در تهران دست کم ۳۰ انجمن تشکیل شد. به‌جز انجمن‌های صنفی مانند: انجمن‌های اصناف، مستوفیان و طلاب، انجمن‌های متعدد قومی و دینی مربوط به اقلیت‌ها هم‌چون: انجمن‌های آذربایجانی‌ها، جنوبی‌ها، ارامنه، کلیمیان و زرتشتیان به‌وجود آمد.^۵

در مهر ۱۲۸۵ مجلس ملی افتتاح شد. نمایندگان این مجلس که نخستین مجلس شورای ملی ایران بود، به تهیه قانون اساسی مشروطه پرداختند، نمایندگان براساس ترجمه‌ی از قانون اساسی بلژیک، نظام سیاسی پارلمانی را در ایران پی افکنندند.^۶ در تدوین قانون اساسی، عمدتاً دو تن از مشروطه‌خواهان اصلاح‌طلب، حسن پیرنیا (مشیرالدوله) و حسین پیرنیا (مؤتمن‌الملک)، نقش داشتند.^۷ برای انطباق با شرایط بومی، دو نکته اساسی در این قانون منظور شد. انجمن‌های ایالتی با اختیار اعمال نظارت آزام، بر کلیه اصلاحات مربوط به منافع عمومی، به شرط رعایت حدود مندرج در قانون پیش‌بینی شد و در بعضی از مواد نیز بر اهمیت مذهب به‌طور کلی و روحانیون به‌طور خاص تأکید شد. قوه قضاییه به دادگاه‌های مدنی و محاکم شرعی دارای صلاحیت وسیع در قوانین شرع تقسیم شد. مذهب شیعه اثنی‌عشری، مذهب رسمی ایران اعلام شد. فقط مسلمانان می‌توانستند وزیر کابینه شوند. پنج مجتهد توسط نمایندگان مجلس از میان بیست نفر که روحانیان پیشنهاد می‌کردند، انتخاب می‌شدند تا لایحه‌ی را که به مجلس تقدیم می‌شد، از لحاظ عدم مغایرت با قوانین شرع مورد مذاقه قرار دهند. در قانون اساسی مشروطه، مجلس به‌عنوان نماینده‌ی قاطبه‌ی مردم از اختیارات وسیعی برخوردار شد.^۸ در ۹ دی ۱۲۸۵ این قانون به توشیح مظفرالدین شاه قاجار رسید.^۹

زمینه‌های تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و استقرار رسمی نظام جمهوری اسلامی در ایران در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، مجلس مؤسسان کوچکی با نام مجلس خبرگان قانون اساسی، با ۷۳ عضو تشکیل شد تا با بررسی پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، متن نهایی آن را تصویب کند. پیش‌نویس قانون اساسی نظام جدید، هم‌چون قانون اساسی مشروطه، متأثر از قوانین اساسی اروپایی بویژه، دو قانون اساسی فرانسه و بلژیک بود و چند تن از حقوقدانان از جمله، دکتر حسن حبیبی، دکتر ناصر کاتوزیان و دکتر محمدجعفر جعفری لنگرودی آن را تنظیم کرده بودند. در پیش‌نویس، بر تفکیک قوا و حقوق و آزادی‌های اساسی مردم تأکید شده بود. پیش‌نویس قانون اساسی به ملاحظه و تأیید بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران رسید و به مجلس خبرگان محول شد که در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، آغاز به کار کرد.^{۱۰}

در مجلس خبرگان که اکثریت قاطع نمایندگان آن روحانی بودند، حزب تشکیل شده توسط روحانیان، حزب جمهوری اسلامی، بیش‌ترین کرسی‌ها را به‌دست آورد.^{۱۱} مجلس خبرگان برخی از اصول یا مواد را مورد تأیید قرار داد یا تغییرات مختصری در آن‌ها به‌وجود آورد. تغییرات اساسی‌تری نیز، در بعضی دیگر از موارد اعمال یا نکاتی بر موارد پیش‌نویس افزوده شد.^{۱۲} مهم‌ترین مورد افزوده شده، اصل ولایت فقیه بود که در پیش‌نویس به آن اشاره‌ی نشده بود.^{۱۳} سرانجام، در همه‌پرسی ۱۲ آذر ۱۳۵۸، این قانون با ۱۷۵ ماده از تصویب عمومی گذشت.^{۱۴} رویکرد غالب در این قانون، با توجه به رهبری روحانی انقلاب و حضور قابل توجه روحانیان در انقلاب، در مجموع رویکردی فقهی است.

رابطه حقوق و مذهب در قوانین اساسی

مشروطه و جمهوری اسلامی

با عنایت به مباحث فوق و پیش از ورود به بحث اصلی مقاله، در بررسی تطبیقی جایگاه و حقوق اقلیت‌های مذهبی در قوانین اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی، مناسب است به رابطه حقوق و مذهب در این قوانین اشاره شود. «آغاز قانونگذاری در ایران، جدا شدن حقوق، از مذهب بود. هرچند قانون اساسی مشروطه مذهب رسمی کشور را اسلام قرار داد، اما قوه خاصی برای قانونگذاری به‌وجود آورد».^{۱۵}

با توجه به زمینه‌های تدوین هر یک از دو قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی و رویکردهای غالب در هر یک، موضوع رابطه حقوق و قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی به صورت دیگری درمی‌آید. «در قانون اساسی جمهوری اسلامی،



مقدمه بازگشت به اتحاد حقوق و مذهب فراهم آمد. در مقدمه این قانون آمده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. با وجود این نباید چنین پنداشت که در جمهوری اسلامی، اتحاد حقوق و مذهب تحقق یافته است و دیگر حقوق اصالت ندارد. زیرا جامعه پیچیده و پیشرفته کنونی نیاز به قواعدی دارد که نه در فقه سابقه دارد و نه در منابع اصیل آن می‌توان حکمی صریح در آن باره پیدا کرد. پس بایستی در این گونه حوادث واقعه به اجتهاد تازه دست زد»^{۱۷}

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از چند جهت نفوذ و احترام قواعد مذهبی فزونی یافته است و ساختار حقوقی موجود را به سوی مذهبی‌شدن هدایت می‌کند. «در این نظام، دیگر سخن از اتحاد حقوق اسلام و قوانین وضع شده است و اگر تا این حد دور نرویم، باید گفت، وسیله جذب بخش مهمی از فقه در نظام حقوقی فراهم آمده است. بنابراین، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها قواعد شرعی به عنوان حقوق فطری و برتر از قوانین مورد احترام است، وسیله جذب و ورود این قواعد در حقوق موضوعه نیز به طور جدی فراهم است»^{۱۸}

گستره‌ی تنوع دینی و مذهبی در ایران

از آنجاکه این پژوهش بر مطالعه اقلیت‌های مذهبی و دینی و جایگاه و موقعیت حقوقی آنان در قانون اساسی متمرکز است، شناخت اجمالی این اقلیت‌ها و گستره تنوع دینی و مذهبی آنان ضروری می‌نماید؛ اعم از آن‌ها که در قانون اساسی ذکر شده و احياناً ابهامات، نابرابری‌ها و غفلت‌هایی نسبت به حقوق آنان صورت گرفته و یا آنهایی که اساساً مورد توجه واقع نشده و ذکری از آنان به میان نیامده است.

تنها در قلمرو ادیان، هر سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) در ایران پیروانی دارند که در کنار سایر اهل کتاب یا متدینان به دیگر ادیان توحیدی (زرتشتیان و صابئی‌ها) و نیز سیک‌ها که دین آنان آمیزه‌ی از اسلام و آیین هندوست، زندگی می‌کنند. مسیحیان ایران، گستره‌ی از شاخه‌ها و فرقه‌های مختلف و پیروان کلیساهای گوناگون را تشکیل می‌دهند و برخی از آنان (ارامنه، آشوریان و کلدانی‌ها) به مثابه گروه‌های قومی - دینی از شده‌های پیش از ظهور و ورود اسلام به ایران، در این سرزمین یا حول و حوش آن (ایران بزرگ) سکونت داشته و دارند. ایران، خاستگاه دین زرتشت است و اکنون (در کنار هند) یکی از دو سکونتگاه اصلی زرتشتیان محسوب می‌شود. ایران همچنین، (همراه با عراق) یکی از دو موطن اصلی پیروان دیانت صابئی است.

یهودیان (کلیمیان) ایران، عمدتاً در تهران، کاشان، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، همدان و جنوب کشور زندگی می‌کنند. محل

زندگی بیش‌تر مسیحیان (عیسویان) در شهرهای بزرگ بویژه تهران، تبریز، ارومیه، فریدن و جلفای اصفهان است. زرتشتیان ایران عمدتاً در کرمان، یزد و اطراف آن و نیز تهران سکونت دارند.

صابئی‌ها مشخصاً در خوزستان (اهواز) و سیک‌ها در بلوچستان (زاهدان) سکونت گزیده‌اند.

اسلام در ایران شامل هر دو مذهب اصلی این دین است. اهل تسنن ایران که تا پنج سده پیش، قریب هزار سال اکثریت مذهبی داشتند، اکنون اقلیت قابل توجهی حدود هشت درصد از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. این جمعیت میلیونی، شامل: سنیان حنفی در پنج استان کشور و سنیان شافعی در پنج استان دیگر کشور (جمعاً ده استان ایران) است.

حنفی‌ها شامل: بلوچ‌ها در جنوب شرقی و شرق ایران (عمدتاً استان بلوچستان و سیستان و نقاطی در استان‌های خراسان، کرمان و هرمزگان)، ساکنان نوار مرزی شرق خراسان از جمله در بیرجند (اسدآباد یا اسدیه، درمیان، خورک و ماخونیک)، شرق قاشان (زیرکوه)، تربت‌جام، تایباد یا طبیات، خواف، زورآباد یا صالح‌آباد و سرخس و ترکمن‌ها در شمال خراسان و استان گلستان می‌باشند. شافعی‌ها نیز برخی از ساکنان سواحل و جزایر جنوب کشور (استان‌های بوشهر و هرمزگان) و هم‌چنین اکثر کردهای غرب کشور و تالش‌های شمال غربی ایران را شامل می‌شوند. در مجموع، حنفی‌ها در نیمه شرقی و شافعی‌ها در نیمه غربی کشور سکونت دارند.

شیعیان، در مقام اکثریت مذهبی، حدوداً ۹۱ درصد جمعیت این سرزمین را تشکیل می‌دهند و تقریباً در همه نواحی کشور، جز برخی مناطق عمدتاً مرزی خاص سکونت، اهل تسنن زندگی می‌کنند. شیعیان، علاوه بر اکثریت قاطع اثنی‌عشری، اقلیتی از شیعیان اسماعیلی را نیز شامل می‌شوند. اسماعیلی‌ها عمدتاً در خراسان خصوصاً دیزباد نیشابور سکونت گزیده‌اند.

علاوه بر پیروان دو مذهب اصلی اسلام، معتقدان به مذاهب دیگری چون اهل حق که در غرب کشور ساکنند، گستره و تنوع دینی و مذهبی ایران را تشکیل می‌دهند.^{۱۹}

نکته قابل توجه در خصوص اقلیت‌ها دینی و مذهبی ایران، حق تاریخی توطن آنان در این سرزمین و بومی‌بودن یا سابقه طولانی سکونت آنان در ایران است. ایران برای بسیاری از غیرمسلمانان ساکن در این مرز و بوم، وطن تاریخی و سرزمین بومی و در مواردی خاستگاه دیانت آنان است. در این زمینه به‌طور مشخص می‌توان به زرتشتیان اشاره کرد که در خارج از ایران (از جمله هند) به نام خاستگاه آیین و وطن باستانی خویش، ایران، پارسی خوانده می‌شوند.

ایران برای اهل سنت - با آن‌که به لحاظ تعداد جمعیت در اقلیت قرار گرفته‌اند - سرزمینی بیگانه نیست. زمانی مذهب اکثریت

منافع ملی

دکتر محمدرضا بیگدلی

□ از دوران‌های قدیم، ملت‌ها برای حفظ منافع ملی National Interest و تحصیل هدف‌های خارجی خود، به‌ناچار با کشورهای همجوار و دور، نوعی روابط متقابل Interaction برقرار می‌نمودند، ولی کمیت و کیفیت روابط متقابل کشورها و هم‌چنین منافع و هدف‌های خارجی آن‌ها کاملاً محدود و ساده بوده است.

تا قرن هیجدهم، انگیزه‌ی کشورها (به استثنای امپراتوری‌های یونان و روم و...)، در ایجاد رابطه با یکدیگر هدف‌های کوتاه‌مدت از قبیل کسب بازار، ایجاد روابط تجاری، توسعه‌ی نفوذ شخصی و قدرت‌نمایی بوده و تنها وسیله‌ی مهم در راه تحصیل مقاصد و نیل به هدف‌های مزبور، «جنگ» و توسل به زور بوده است. «دیپلماسی» نیز نقش مهمی در رفع اختلاف‌ها داشته است.

در مطالعه‌ی تاریخ سیاسی یونان قدیم، بویژه تاریخ دوره‌ی شهر - کشوری، به «قراردادها» و «اتحادیه‌ها» بی‌برخورد می‌کنیم که دلالت بر وجود نوعی سیستم بین‌المللی ساده و همکاری منظم بین واحدهای سیاسی دارد. برای مثال می‌توان کنفدراسیون‌های آرکادی، بوئیس، کورنت و آتن را نام برد.^۱

پایه‌های اساسی روابط بین‌الملل، پس از پیدایی سیستم کشوری در اروپا در قرن هفدهم بعد از قرداد ۱۶۴۸ میلادی وستفالیا^۲ ریخته شد و با انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی، تکامل یافت؛ روابط بین‌الملل که مبتنی بر دو اصل اساسی زیر می‌باشد، پس از قرارداد وستفالیا و انقلاب کبیر فرانسه مورد قبول دولت‌ها قرار گرفت:

۱- وجود کشورهای مختلف مستقل؛

۲- قبول اصل تساوی کشورها در صحنه‌ی بین‌المللی.

اکثر دانشمندان مسائل بین‌المللی، هدف‌ها و انگیزه‌های اصلی رفتار همه‌ی کشورها را در صحنه‌ی سیاست خارجی، «منافع ملی National Interests»، نام نهاده‌اند. این گروه معتقدند آن‌چه کشورها در صحنه‌ی بین‌المللی انجام می‌دهند، در جهت حفظ و تحصیل و ازدیاد منافع ملی‌ست.

ولی دانشمندان مسائل بین‌المللی، منافع ملی را به‌روشنی تعریف نکرده و در مورد ارزش‌ها و پدیده‌هایی که منافع ملی بر آن‌ها اطلاق می‌گردد، نیز اتفاق نظر ندارند. مورگانتا عقیده دارد: اصطلاح منافع ملی، مثل واژه‌های «رفاه Welfare» و «رعایت تشریفات Due Process» که در قانون اساسی امریکا ذکر شده، بسیار مبهم و غیرقابل تعریف است. مورگانتا سپس می‌افزاید: در جهانی که کشورها برای کسب و حفظ و ازدیاد قدرت تلاش می‌کنند، پس حداقل سیاست خارجی همه‌ی کشورها، باید حفظ

ایرانیان تسنن بوده است و غالب پیشوایان مکاتب فقهی و کلامی اهل تسنن، ایرانی بوده‌اند. تاریخ و فرهنگ و تمدن و عرفان ایرانی و زبان و ادب پارسی عمدتاً با نام ایرانیان مسلمان سنی آمیخته است. امروزه آرامگاه‌ها و مقابر لولیا و عرفا و ادبا و مشایخ سنیان در گوشه و کنار ایران، زیارتگاه مسلمانان شیعه و سنی ایرانی و غیرایرانی می‌باشد.^{۲۰}

ایران برای شیعیان اسماعیلی نیز، خاستگاه اصلی این مکتب و پیشوایان تاریخی آن و زادگاه و موطن اولیه رهبران نسل‌های امروزی اسماعیلیان محسوب می‌شود.

با این توصیف، حق تاریخی اقلیت‌های غیرمسلمان، غیرشیعی یا غیراثنی‌عشری، کم‌تر از اکثریت مسلمان شیعی اثنی‌عشری نیست. بر این اساس، نابرابری‌های حقوقی و قانونی بویژه در قانون اساسی به مثابه میثاق ملی همه ایرانیان موجه به‌نظر نمی‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، کلیات و مبانی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۹۰.
- ۲- ناصر کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ج ۲۶، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲.
- ۳- کاپوتورتی، به نقل از پاتریک ترنبری، حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها، ترجمه ازینتا شمشادی و علی‌اکبر آقایی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، صص ۱۱ و ۱۲.
- ۴- دشنه، به نقل از همان منبع، ص ۱۲.
- ۵- یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیر شانه‌چی، ج ۶، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۲، ص ۷۸ و جان فوران، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷، ص ۲۶۲.
- ۶- آبراهامیان، همان منبع، ص ۷۹.
- ۷- همان منبع، صص ۸۰ و ۸۲.
- ۸- سمیع فارسون و مهرداد مشایخ، فرهنگ سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، ترجمه معصومه خالقی، تهران، انتشارات باز، ۱۳۷۹، ص ۱۷۹.
- ۹- آبراهامیان، همان منبع، صص ۸۱ و ۸۲.
- ۱۰- همان منبع، ص ۸۱ فوران، همان منبع، ص ۲۶۲؛ فارسون، همان منبع، ص ۱۷۹.
- ۱۱- انقلاب اسلامی ایران در دایره‌المعارف‌های جهان، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹.
- ۱۲- فارسون و مشایخی، همان منبع، ص ۱۸۴.
- ۱۳- فوران، همان منبع، ص ۵۸۶؛ فارسون و مشایخی، همان منبع، ص ۱۸۴ و ۲۰۴؛ انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۵۹؛ جیمز دفروترو، انقلاب اسلامی ایران از چشم‌انداز نظری، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات باز، ۱۳۷۹، ص ۸۶.
- ۱۴- فارسون و مشایخی، همان منبع، ص ۱۸۷؛ دفروتزو، همان منبع، ص ۸۶.
- ۱۵- انقلاب اسلامی ایران، ص ۲۵۹.
- ۱۶- کاتوزیان، فلسفه حقوق، ج ۱، تعریف و ماهیت حقوق (الفزوده و تجدیدنظر شده)، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶، ص ۶۰۳.
- ۱۷- همان منبع، ص ۶۰۵.
- ۱۸- همان منبع، صص ۱۲۸ و ۱۳۰.
- ۱۹- دایره‌المعارف تشیع، تهران، سازمان دایره‌المعارف تشیع، ج ۲، صفحات مختلف.
- ۲۰- امین، سیدحسن، حقوق بشر و کثرت‌گرایی دینی، تهران، انتشارات ترفند، ۱۳۷۹.